

آماده است.

## نظم

زمین بر نتابد سپاه تو را  
به فر تو زیر فلک شاه نیست  
جهاندار پیروز گریار باد  
بکوشیم و فرجام کار آن بود  
شکاریم یک سر همه پیش مرگ  
سری زیر تاج و سری زیر ترک

حضرت شاهنشاه حقایق آگاه با هر یک التفاتی خاص فرموده، ایشان را از عجله نهی و به تأنی امر فرمود و نیز فرمایش رفت که اگر پس از چندین روزگار و چندین کارزار که با سپاه دولت بهیه روسیه رفته است، وقتی کورتوالان قلاع آذربایجان بدانها مایل شده بعضی بلاد را بدیشان سپارند یا فی المثل در عرصه جنگ مغلوب آیند پیدا است که فتح و ظفر از حق تعالی است و از چنان دولتی قوی و قویم و شوکتی بزرگ و عظیم نقصان شکست یافتن ننگ و عار نخواهد بود؛ و غالب سلاطین سلف را چنین کار بسیار افتاده، قصه کیکاوس و مازندران و حکایت افراسیاب و هوم بر همه کس واضح است و معلوم؛ هکذا واقعه سنجر و غزان در تواریخ مبسوط است. و از متاخرین وقایع شاه اسمعیل صفوی و سلطان سلیم عثمانی مشهور و تصرف آل عثمان در همدان و تبریز در همه دفاتر مسطور. همچنین استیصال پطر کبیر در محاربه با سپاه محمد پاشای بالتاچی وزیر سلطان احمد خان عثمانی و مصالحه کترین حرم پطر در تاریخ پطر کبیر مرقوم، پیوسته فی مابین سلاطین مقاتله ها رفته و انجام به صلح و جنگ این رشته مقطوع شده ما را از اختلاف مشرب و مذهب آذربایجانیه و روسیه اندیشه است که اگر در این باب تهاون و تسامح ورزیدیم در میان سلاطین اسلام از حضرت رسول انام شرمسار و منفعل خواهیم بود.

## نظم

به بینیم تا بر چه گردد سپهر  
که گه جنگ و قهر است و گه صلح و مهر

## ذکر تحمیل و تراضی خاطر ینارال بسقاویج به مصالحه و ملاقات نواب نایب السلطنه با وی در دهخوارقان تبریز

سابقاً اشارتی رفت که فی مابین نواب شاهزاده نایب السلطنه و ینارال بسقاویج سردار دولت روسیه سخنی از معامله و مصالحه رفته بود، در این اوقات مقرر شد که در دهخوارقان ملاقات اتفاق افتد و در باب مصالحه مقالات در میان آورند، لهذا نواب مستطاب نایب السلطنه از شهر ارومی با پانصد (۵۰۰) نفر از امرا و خواص عزیمت میعادگاه کرده، نجف علی خان افشار را به حکومت ارومی گذاشته و نواب شاهزاده ملک قاسم میرزا حاکم سابق ارومی را به جهت اخبار این قرار روانه دارالخلافه طهران و حضور حضرت خاقان صاحب قران داشته، و نواب امیرزاده بهرام میرزا فرزند خود را با میرزا محمد تقی قوام الدوله و یوسف خان توپچی باشی با توپخانه و نظام پیاده و هزار (۱۰۰۰) سوار کرمانی و دو فوج افشار که در مرحمت آباد بودند ابواب جمع کرده به کنار رودخانه چغاتو به توقف مأمور و خود به واسطه نقاهت در تخت روان نشسته با ملتزمین رکاب [۲۸۳] که نواب امیرزاده خسرو میرزا و امیر کبیر محمد خان امیر نظام و خان والاشان ابراهیم خان سردار قاجار و میرزا علی مستوفی و حاجی میرزا مسعود خوئی و محمد حسین خان اشیک آقاسی و بعضی از خوانین افشار و آقایان قاجار و سایر چاکران جان نثار راه دهخوارقان برگرفته و ینارال بسقاویج در روز قبل با شش هزار (۶۰۰۰) صالداات و یک هزار و پانصد (۱۵۰۰) سوار و ده (۱۰) عراده توپ و اعیان دولت بهیه روسیه به دهخوارقان آمده مهماندار و خدمتکار به استقبال موکب نواب اشرف امجد والا نایب السلطنه تا یک منزل راه فرستاده به احترام تمام و احتشام کامل در رکاب حضرت والا همی آمدند تا وارد مقصد شدند. و جناب آصف الدوله را از تبریز احضار نمودند و ابواب موافقت و مصادقت مفتوح کردند و در اصلاح امر سخن رانند.

و مقرر شد که به وکالت نواب نایب السلطنه و تصدیق حضرت خاقان کامکار

قاجار در این وکالت خاصه طی دعاوی شود و ضمناً ینارال بسقاویج شرایط چند در میان آورد که حاصل آن این بود که ایروان و نخجوان و اردوباد که در تصرف لشکر روسیه است استرداد نیابد و ارس سرحد دولتین مقرر شود و طالش و مغان به دولت روس رد شود و بیست (۲۰) کرور اشرفی یک مثقالی که دولت بهیه روسیه در این سنوات و محاربات مخارج کرده و متضرر شده از دولت علیه ایران داده شود. و نواب نایب السلطنه یا امیرزاده اعظم نواب محمد میرزا فرزند اکبر اکرم آن حضرت به دولت روسیه رفته عذرخواه مخالفات گذشته و نقض عهد رفته شود.

و بعد از گفتگو ینارال بسقاویج وکیل امر صلح و سردار مختار روسیه پنج کرور از بیست (۲۰) کرور مذکور را تخفیف داده به نواب نایب السلطنه مقدم بها و گذاشت و سخن از پانزده (۱۵) کرور وجه مصالحه رفت.

و از جانب جناب نواب مستطاب نایب السلطنه، فتحعلی خان ولد هدایت‌الله خان رشتی که مردی معتبر و با خبر بود به طهران مأمور شد و شرح حال و حاصل مقال را معروض رای دارای خورشید جمال جمشید جلال حضرت خاقان کرد. و غیرت ملوکانه خسروی بدین مصالحه تن در نداده از محاربه تقریر رفت و شاهزادگان اطراف که با سپاه اجتماع کرده بودند به حرکت مأمور شدند و راه قزوین برگرفتند، و در اواسط رجب به قزوین رسیدند، صحرا و شهر از تهاجم افواج و سپاه دریاوار تموج و تلاطم گرفت. جناب قایم مقام از جانب نواب نایب السلطنه و بولکونیک دالخسکی از نزد ینارال بسقاویج به طهران روانه شدند.

و چون وکالت نامه نواب نایب السلطنه در امر مصالحه از نزد حضرت خاقان صاحبقران به تعطیل انجامید و در طهران گروهی گمان نیابت به نواب شجاع السلطنه می بردند و سخنان مختلفه مذکور و مسموع می شد، دالخسکی شرحی به ینارال بسقاویج از اختلاف اقوال امرای دربار پادشاه بی همال بنگاشت و در امر مصالحه مخاطله روی داد.

و سردار روسیه ازدحام سپاه را در هر جا حمل بر خدیعت کرده و تعطیل امر بر مکیدت مبنی شمرده به فکر احتیاط و حزم و رعایت لوازم رزم در افتاده، لهذا با آصف الدوله عزم رجعت تبریز کرد؛ و نواب شاهزاده نایب السلطنه به جانب گروس رفت، و سپاه روسیه از هر جانب و جایگاه که توقف و ساخلو داشتند دیگر باره

لوائی حرکت و مجادله برافراشتند. و میرزا ابوالحسن خان وزیر دول خارجه که مأمور به حضور در محضر مصالحه بود در خمسه متحیر بماند. و مقارن این مقالات از حکام یزد و کرمان نیز اخبار خلاف و نفاق در رسید و سرکشان اطراف گردن برآورده گوش در راه اخبار و دیده بر منصفه آثار گشادند، چنانکه بعد از امضای مصالحه از ایشان بیانی خواهد رفت.

## در ذکر توسط جناب سر جان مکدانلد ایلچی مختار دولت بهیه انگلیس و مقالات وی با جنرال بسقاویج و قرار امر مصالحه

سر جان مکدانلد ایلچی مختار دولت بهیه انگلیس که در سال گذشته به سفارت دولت علیه مخصوص و در تبریز متوقف بود بنا بر مصلحت جوئی و خیرخواهی و راستگوئی در مقام اصلاح کار بر آمده با بنارال بسقاویج ملاقات نموده از کار ناپلیون و ناسازیهای او با دولتها و عاقبت کار او سخن راند که قرار دولتها بعد از او چنین است که بی جهت به ملک یکدیگر طمع ننمایند و اگر بی انصافی از حد در گذرد دول دیگر اجماع کرده با آن دولت ظالم محاربه کنند و اگر به مصالحه نیانجامد دولت ما مضایقه ندارند که در مخالفت شما با دیگر دول موافقت ورزند.

و مقارن این حال فی مابین دولت روسیه و عثمانیه منازعه روی داد و از آن سوی نیز کار به مجادله کشید، لهذا اسباب مصالحه اقوی گردید و ایلچی مختار دولت بهیه انگلیس چون سردار قفقاز را ساکن و به صلح مایل کرد، جان مکنیل صاحب حکیم را که با وی همراه و مردی عاقل و از همه جا آگاه بود روانه طهران نمود و او در محفل خاص به حضور حضرت خاقانی اختصاص یافته در این باب سخنان صواب معروض داشت. طبع مبارک شهریار گیتی مدار را از مراحل قهر و غضب و مسالک شور و شغب به صلح و صلاح و فوز و فلاح مایل کرد و صریح اظهار کرد که هرگاه غیرت سلطنت مانع ادای وجه مصالحه است ما را که دوستدار و خیرخواه دولت ایرانییم ماذون فرمایند که مال المصالحه را در هر جا که مطالبه کنند به وکلای دولت

بهبه روسیه برسانیم، چه اگر قرار بر کارزار و نزاع و پیکار شود چنانکه گذشته خسارت بسیار به جهت اخراجات سپاه جرار کشیدن و عاقبت کار از فتح و ظفر و شکست و خطر مبهم است، اولی آنکه مصالحه انجام یابد و مملکت آرام، چنانکه بسا سلاطین بزرگ پس از جنگها صلحها کرده و سالها برآسوده‌اند چه کرام اسرا را به زر خریدند، اگر به بهای اسرای بلاد آذربایجان کروری چند اکرام شود از کرم خاقان ۱۲۸۴| کریم بعید نخواهد بود و کروری چند از خلائق را عبید خواهند فرمود.

مع القصة حکیم دانای فرزانه چندان سخنان حکیمانه تقریر کرد که خاقان معظم رای وی را تحسین و به منوچهر خان گرجی ایچ آقاسی اشارت راند که هشت کرور که هر کروری پانصد هزار (۵۰۰۰۰۰) تومان باشد از خزینه عامره حمل و نقل و با وکالت نامه معاهده و مصالحه به نواب نایب السلطنه موصول دارد و کار مصالحه دولتین را به اتمام آورند. و فی الواقع مصلحت دولت ابد مدت و رفاه سپاهی و رعیت در قبول این مسئول بود و چنانکه اسکندر سدی از روی بر آورد، این شاهنشاه اسکندر جاه سدی از زر ناب در معبر سپاه بی حساب دولت بهبه روسیه بر کشید که الحمدلله ابدأ در آن سد سدید رخنه و ثقبه نخواهد افتاد و سپاه سرحدات بر آسودند و در مهد امن و امان غنودند:

### لمؤلفه

به حفظ ایران این همتی که خاقان کرد نکرده حاتم و جعفر نه معن و قآن کرد به دین و دولت اسلام مشکلی رو داد به یک اشارت گنجور شاه آسان کرد تیغهای خلاف در نیام بماند و دلهای رمیده آرام یافت، حکیم صاحب و منوچهرخان و قایم مقام از طهران و میرزا ابوالحسن خان از زنجان به حرکت در آمدند و نواب مستطاب نایب السلطنه از گروس و ینارال بسقاولیج و آصف الدوله از تبریز با امن و وزرای دولتین علیتین در قریه ترکمان من اعمال تبریز اجتماع کردند، و در شب پنجشنبه پنجم شهر شعبان یکهزار و دویست و چهل و سه (۱۲۴۳ هـ / ۲۱ فوریه ۱۸۲۸ م) سال تنگوزئیل ترکی مجلس مصالحه منعقد گردید.

نواب نایب السلطنه و ینارال بسقاولیج وکالت نامه خود را به یکدیگر دادند و عهد مودت بستند و عهدنامه مصالحه نگاشتند و سه روز و شب به شادایانه توپهای عیش و طرب به غرش در آمده، میدانهای رزم به ایوانهای بزم تبدیل جست و نعره

تفنگ به نغمه چنگ تحویل یافت. آصف الدوله و منوچهر خان به طهران روی کردند و حاجی میرزا ابوالحسن خان و ینارال رازن سردار سواره نظام روسیه با پنج تن معتبره به جهت وصول صلحنامه در اواخر شعبان به حضور حضرت خاقان صاحبقران رسیدند، ذریعه ینارال بسقاویج را داده معزز و مخلع باز گردید، و لشکرها از سرحدات بر خواستند و ینارال از تبریز مراجعت گزید و نواب شاهزاده نایب السلطنه العالیه از سر اسکندر هشتروند به تبریز ورود فرمود. چون صورت عهدنامه را کمال تفصیل است زبده مطالب فصول مرقوم می‌گردد:

### صورت اجمال عهدنامه وکلاهی دولتین علیتین در محل ترکمان چای و امضای آن

اعلیحضرت ایمپراطور اعظم کل ممالک روسیه به القابه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران به اوصافه علی السویه اراده دارند که به نوائب جنگی نهایی بگذارند و به سبب همجواریت صلحی بی نفاق به عمل بیاورند، لهذا ایمپراطور اعظم جناب ایوان بسقاویج جنرال انوتار را و پادشاه والا جاه ممالک ایران نواب نایب السلطنه العلیه عباس میرزا را وکلاهی مختار خود تعیین کردند و ایشان در محل ترکمان چای اختیاریانامه‌های خود را بهم سپردند و فصول آتیه را قرار دادند:

فصل اول: بعد الیوم مابین اعلیحضرت ایمپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران و ولیعهدان و اخلاف و ممالک و رعایای ایشان مصالحه مودت و وفاق کامل ابدالاباد واقع خواهد بود.

فصل دوم: از تاریخ حال هر دو پادشاه با اجلال عهدنامه واقعه در محال گلستان قراباغ را متروک و این عهدنامه جدیده میمونه را با عهود و شروط مسلوک داشتند.

فصل سیوم: پادشاه ممالک ایران از جانب خود و ولیعهدان کل الکای نخجوان و ایروان را خواه این طرف رود ارس خواه آن طرف به دولت روسیه واگذار می‌کند و تعهد می‌نماید که بعد از امضای این عهدنامه در مدت شش ماه همه دفتر و دستورالعمل که متعلق به اداره این دو ولایت باشد<sup>۱</sup> به تصرف امرای دولت روسیه دهد.

فصل چهارم: در باب سرحد دولتین ایران و روس بدین موجب خط وضع شده از نقطه سرحد ممالک عثمانی که در خط مستقیم به قلعه کوه آغری کوچک اقرب است ابتدا کرده و از آن جا به سرچشمه رودخانه فراسوی پائین که از سرایشب جنوبی آغری کوچک جاری است فرود آمده، به متابعت مجرای این رودخانه به التقای آن به رود ارس در مقابل شرور ممتد می‌شود. چون این خط به اینجا رسید به متابعت مجرای ارس تا به قلعه عباس آباد و در دور تعمیرات و ابنیه خارجه آن که در کنار راست ارس واقع است نصف قطری بقدر نیم فرسخ رسم می‌شود و به این نصف قطر در همه اطراف امتداد می‌یابد، همه اراضی و عرصه‌ای که در این نصف قطر محاط و محدود می‌شود بالانفراد تعلق به روسیه خواهد داشت، و در مدت دو ماه مشخص خواهد شد. و بعد از آن از جایی که طرف شرقی این نصف قطر متصل به ارس می‌شود خط سرحد شروع و متابعت مجرای ارس می‌کند تا به معبر یدی بلوک و از آنجا خاک ایران به طول مجرای ارس امتداد می‌یابد تا به فاصله و مسافت سه فرسخ. بعد از وصول این نقطه خط سرحد به استقامت از صحرای مغان می‌گذرد تا به مجرای رودخانه بالهارود به محلی که در سه فرسخی واقع است پائین تر از ملتقای دو رودخانه کوچک موسوم به آدینه بازار و ساری قمش، و از این جا این خط به کنار چپ بالهارود تا به ملتقای رودخانه مذکور صعود کرده به طول کنار راست رودخانه آدینه بازار مشرقی تا منبع رودخانه و از آنجا به اوج بلندیهایی جگگیر امتداد می‌یابد به نوعی که

۱. ناسخ‌التواریخ: ... با دایره این دو ولایت باشد (۱/۳۹۴).

جمله آب‌هائی که جاری به بحر خزر می‌شود متعلق به روسیه خواهد بود، و همه آب‌هائی که سراشیب و مجرای آنها به جانب ایران است تعلق به ایران [۲۸۵] خواهد داشت. چون سرحد دو مملکت اینجا به واسطه قتل جبال تعیین می‌یابد لهذا قرارداد شد که پشته‌هائی<sup>۱</sup> که از این کوهها به سمت بحر خزر است به روسیه و طرف دیگر آن به ایران متعلق باشد، از قله بلندیهای جگگیر خط سرحد تا به قله کمرقوئی به متابعت کوههائی می‌رود که طالش را از محال ارس منفصل می‌کند، چون قتل جبال از جانبین مجرای میاه را فرق می‌دهند، لهذا در اینجا نیز خط سرحد را همان قسم تعیین می‌کند که در فوق در باب مسافت واقعه مابین آدینه بازار و قتل جگگیر گفته شد. بعد از آن خط سرحد از قله کمرقوئی به بلندی کوههائی که محال زوند را از محال ارس فرق می‌دهد متابعت می‌کند تا به سرحد محال ولکیج<sup>۲</sup> همواره بر طبق همان ضابط که در باب مجرای میاه معین شد، محال زوند به غیر از آن حصه که در سمت مخالف قتل جبال مذکوره واقع است از این قرار حصه روسیه خواهد بود، از ابتدای سرحد محال ولکیج خط سرحد مابین دو دولت به قتل جبال کلپوتی و سلسله کوههای عظیم که از ولکیج می‌گذرد متابعت می‌کند تا به منبع شمالی رودخانه موسوم به استار<sup>۳</sup> پیوسته به ملاحظه همان ضابطه در باب مجرای میاه و از آنجا خط سرحد متابعت مجرای این رودخانه خواهد کرد تا به ملتقای دهنه آن به بحر خزر و خط سرحد را که بعد از این متصرفات روسیه و ایران را از هم فرق خواهد کرد و تکمیل خواهد نمود.

فصل پنجم: اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران از جانب خود و ولیعهد آن تمامی الکا و اراضی و جزایر و جمیع قبایل خیمه‌نشین و خانوار را که در میان خط حدود معینه و قتل برفدار کوه قفقاز و دریای خزر است الی الابد متعلق به دولت روسیه می‌دانند.

۲. چاپ سنگی: ولکنج.

۱. چاپ سنگی: کشتی‌هایی.  
۳. ناسخ التواریخ: آستارا (۱/۳۹۶).



فصل ششم: اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران به تلافی خسارت دولت و رعیت روسیه مبلغ ده (۱۰) کرور نقد که عبارت از بیست ملیان (۲۰۰۰۰۰۰۰) مناط سفید روس است قرار داد و موعد و رهاین وصول این وجه در قرارداد علی حده که لفظ به لفظ گویا در این عهدنامه مندرج است معین خواهد شد.

فصل هفتم: چون پادشاه ممالک ایران نواب عباس میرزا را ولیعهد دولت قرار داده امپراطور روسیه نیز تصدیق بر این مطلب نموده، تعهد کرد که نواب معزی الیه را از تاریخ جلوس بر تخت شاهی پادشاه بالاستحقاق آن ملک داند.

فصل هشتم: کشتیهای تجارت دولتین روس و ایران از هر دو طرف اجازه دارند که در بحر خزر و طول سواحل آن به طریق سابق سیر کرده به کناره‌های آن فرود آیند و در حالت شکست کشتی از هر دو طرف امداد و اعانت خواهد شد، در باب سفاین حربیه که عَلم‌های عسکریه روسیه دارند مثل سابق اذن تردد در بحر خزر دارند و به غیر از دولت روس دولتهای دیگر این اذن ندارند.

فصل نهم: وکلا و سفرای طرفین اعم از متوقفین و عابرین باید از دو طرف مورد کمال اعزاز و احترام شوند و در این باب دستورالعملی مخصوص از طرفین مرعی و ملحوظ گردد.

فصل دهم: در باب امر تجارت هر دو پادشاه و الا جاه موافق معاهده [ای] جداگانه که به این عهدنامه ملحق می‌گردد، تصدیق نمودند. و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران در باب کونسله‌ها و حامیان تجارتی که از دولت روس کما فی السابق در هر جا که مصلحت دولت اقتضا کند معین شود تعهد می‌کند که این کونسله‌ها و حامیان را که زیاده از ده (۱۰) نفر اتباع نخواهند داشت حمایت و احترام نماید. امپراطور روسیه نیز در باب کونسله‌ها و حامیان تجارت ایران وعده می‌کند که به همین نحو مساوات منظور دارد. هرگاه از دولت ایران محققاً شکایتی از کونسله‌ها و حامیان تجارت روس واقع شود وکیل یا کارگزار دولت

روس که در دربار دولت ایران متوقف است و اختیار کونسلها و حامیان تجارت با اوست اذن دارد که امر مزبور را به عنوان جاریه به دیگری رجوع نماید!

**فصل یازدهم:** همه امور و ادعای تبعه طرفین که به سبب جنگ تأخیر افتاده بعد از انعقاد مصالحه موافق عدالت به اتمام خواهد رسید و مطالباتی که رعایای جانبین از یکدیگر یا از خزانه داشته باشند به تعجیل و تکمیل حصول پذیر خواهد شد.

**فصل دوازدهم:** دولتین علیتین معاهدتین بالاشرک در منفعت تبعه جانبین قرارداد می کنند که برای آنهایی که مابین خود به سیاق واحد در دو جانب رود ارس املاک دارند موعدی سه ساله مقرر نمایند تا به آزادی در بیع و معاوضه آنها قدرت داشته باشند، لکن امپراطور ممالک روسیه از منفعت این قرارداد در همه آن مقداری که به او متعلق و واگذار می شود سردار سابق ایروان حسین خان و برادر او حسن خان و حاکم سابق نخجوان کریم خان را مستثنی می سازد.

**فصل سیزدهم:** اسرانی که در جنگ آخر و قبل از این و تبعه ای که از هر مدت به اسیری افتاده اند، از هر دو طرف قرارداد شد که در مدت چهار ماه با اخراجات راه به عباس آباد فرستاده شوند وکلای طرفین که در آنجا مأمور به این کار می باشند آنها را گرفته به اوطان خود برسانند و هرگاه در مدت مذکوره تعویقی واقع شود، هر وقت از هر طرف مطالبه کنند یا اسرا خود استدعا نمایند بلا مضایقه رد کرده آید.

**فصل چهاردهم:** از دو طرف قرین الشرف تعهد می شود که رعایای جانبین اعم از فراری یا غیر فراری که در حالت جنگ و قبل از آن به

۱. عبارت آخر این فصل مبهم است، در کتاب «مجموعه معاهدات» چنین آمده: در صورت شکایت حقه دولت ایران از یکی از مأمورین یا قونسولهای روس، وزیر مختار یا شارژ دافری که در دربار دولت علیه ایران اقامت و به این اشخاص ریاست بلافاصله دارد، مشارالیه را از مأموریت خود خلع کرده و موقتاً کفالت کار او را به هر کس صلاح داند واگذار خواهد کرد.

مملکت طرفین رفته‌اند یا بعد از این روند، در صورتی که وجود ایشان منشأ ضرور و فسادی نباشد مطالبه نشود و لکن اشخاص صاحب رتبه و شأن اعم از حکام و خوانین یا رؤسا و ملاهای بزرگ و غیر آن را که وجود ایشان در ممالک دو طرف به سبب مکاتبات و مخابرات خفیه منشأ ضرور و ممرات است در ممالک طرفین نگاه ندارند و از حدود معینه در فصل چهارم اخراج سازند.<sup>۱</sup>

فصل پانزدهم: [۱۲۸۶] اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران باید از تقصیر اهالی آذربایجان از خاصه و عامه که در مدت جنگ و تصرف عساکر روسیه در ولایات استرداد می‌باشند خیرانی شده‌اند درگذرند و هر یک خواسته باشند با عیال از آن ولایت بیرون روند تا مدت یک سال به ایشان مهلت داده شود که اموال و ائقال خود را یا بیع یا نقل به مملکت روسیه نمایند و احدی از حکام به هیچ وجه متعرض

۱. این فصل از عهدنامه خیلی خلاصه شده، بنابراین متن کامل از کتاب محمود محمود نقل می‌شود: فصل چهاردهم: دولتین معظمین معاهدتین اخراج فراری‌ها و ترانس فوژهائی = کسی که از اردوی خود به اردوی خصم رفته باشد را که قبل از جنگ یا در مدت آن به تحت اطاعت و حکومت طرفین آمده باشند مطالبه نخواهند کرد ولی چون مناسبات خفیه بعضی از ترانس-فوژها با تابعین و هموطنان سابق موجب حصول نتایج مضره می‌شود، لهذا محض دفع و جلوگیری این نتایج دولت ایران متعهد می‌شود که در متصرفات خود که مابین حدود ذیل واقع است و توقف اشخاصی که الحال یا بعدها به اسم مشخص خواهد شد روا ندارد و مقصود از حدود، از یک طرف رود ارس و از طرف دیگر خطی است که به واسطه رود جهریق و دریاچه ارومی و رود جفتور و رود قزل اوزن الی مصب آن در دریای خزر ترسیم می‌شود.

اعلیحضرت امپراطور کل روسیه نیز وعده می‌دهد که در خانات قزلباغ و نخجوان و در قسمت خانات ایروان که در سمت راست واقع است ترانس فوژهای ایرانی نگذارد توطن و سکنی نمایند؛ ولیکن مقرر است که این ماده صورت لزوم نخواهد یافت مگر در باره اشخاصی که طرف رجوع عامه یا دارای بعضی مقامات دیگر هستند، از قبیل خوانین و بیگ‌ها و رؤسای روحانی یعنی ملاها که اعمال شخصی و تحریک و مناسبات خفیه ایشان باعث شود اثر در باره هموطنان و تابعین قدیم آنها می‌شود، و اما در خصوص نفوس عامه مملکتین مقرر است که اتباع دولتین که به مملکت یکدیگر رفته یا در آتیه بروند آزاد هستند که در هر جائی که آن دولت یعنی دولتی که این اشخاص در حیطة حکومت و اقتدار آن درآمدند صلاح داند توطن و سکنی نمایند. (تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم؛ تألیف محمود محمود. - تهران: اقبال، ۱۳۴۴؛ ۲۹۰/۱ - ۲۹۱).

خسارت آنها نشود، و در باب بیع املاک پنج ساله مهلت داده شود، هر گاه در مدت یک سال مذکور از احدی خیانتی تازه به ظهور رسد داخل در عفو و گذشت نیستند.

فصل شانزدهم: بعد از امضای این عهدنامه میمونه فی الفور وکلای مختارین جانبین دستورالعملهای لازمه به حدود خود روانه سازند که به ترک خصومت و تعدی پردازند.

این مصالحه نامچه در دو نسخه به یک مضمون ترتیب یافته و به دستخط وکلای طرفین رسیده و مابین ایشان مبادله گردیده است باید امنای آن به تصدیق دو پادشاه ذیجاه در مدت چهار ماه و اگر ممکن شود زودتر مابین وکلای مختار ایشان مبادله شود.

تحریراً در قریه ترکمان چای به تاریخ دهم شهر فیورال سنه یکهزار و هشتصد و بیست و هشت (۱۸۲۸) مسیحیه که عبارت است از پنجم شهر شعبان المعظم سنه یکهزار و دویست و چهل و سه (۱۲۴۳) هجری به ملاحظه و تصدیق نایب السلطنه رسید به امضای وزیر امور دول خارجه میرزا ابوالحسن خان رسید.

### فصول عهدنامه تجارت

بدانکه این عهدنامه میمونه نیز مشعر بر فصول تسعه و تفصیل فصول ازین قرار است که به عینه ایراد می‌گردد:

فصل اول: چون دولتین علیتین معاهدتین تمنا دارند که اتباع خود را از جمله منافع و فوایدی که از آزادی و رخصت تجارت حاصل می‌شود بهره‌مند دارند، لهاد به این تفصیل قرارداد کردند که رعایا و اتباع روس که تذکره متعارفه در دست داشته باشند در همه ممالک ایران می‌توانند تجارت کرد و کذلک به ممالک مجاوره دولت مذکوره می‌توانند رفت و به همین نسبت اهالی ایران امتعه خود را از دریای خزر یا از راه خشکی سرحد دولتین [روس و ایران به مملکت] روس توانند برد و معاوضه و بیع نمود و خرید کرده متاع دیگر بیرون برده و

از هرگونه حقوق و امتیازاتی که در ممالک اعلیحضرت امپراطوری به اتباع کامله الوداد دولتهای اروپا داده می شود بهره مند خواهند شد، در حالتی که یکی از اتباع دولت روس در مملکت ایران وفات یابد اموال منتقله و غیر منتقله [او] به رعیت دولت روس است بدون قصور به اقوام یا شرکای او تسلیم خواهد شد که به اختیار تمام به نحوی که شایسته دانند معامله نمایند، در صورتی که بر اقوام و شرکای او حاضر نباشند اختیار ضبط و کفالت همین اموال به وکیل یا کارگزار یا کونسلهای روسیه واگذار می شود، بدون اینکه هیچ گونه ممانعتی از جانب حکام ولایت صادر شود.

فصل دوم: حجج و بروات و ضمانت نامه ها و دیگر عهدها که برای امور تجارت خود مابین اهالی جانبین مکتوبها می گذرد نزد کونسل روسیه و حاکم ولایت و در جایی که کونسل نباشد تنها نزد حاکم ولایت ثبت می شود تا اینکه هنگام منازعه بین الطرفین برای قطع دعوی بر طبق عدالت لحقات لازمه نتوانند کرد، اگر یکی از طرفین خواهد بدون اینکه به نحو مذکور فوق تمسکات محرره و متصدقه که لایق قبول هر محکمه عدالت است در دست داشته باشد از دیگری ادعائی نماید و جز اقامه شهود دلیلی دیگر نیارد، این قبیل ادعاها و اینکه مدعی خود تصدیق به حقیقت آن نماید مقبول نخواهد شد، همه معاملات منعقد شده به صورت مذکوره مابین اهالی جانبین واقع شده باشد با دقت تمام مرعی و ملحوظ شده هرگونه مجانبت که در انجام آن به ظهور رسد و باعث ضرریکی از طرفین گردد مورث تلافی خسارت متناسبه از طرف دیگر خواهد شد، و در صورتی که یکی از تجار روس در ایران مفلس و شکست شود حق به ارباب طلب از امتعه و اموال او داده می شود اما اگر از وکیل و کارگزار یا کونسل استعلام نمایند که مفلس مذکور مال ممکن الصرف که به کار استرضای همان

۱. محمود محمود: تا اینکه در صورت وقوع منازعه مابین طرفین بتوان تحقیقات لازمه به عمل آورد و عدلا رفع اختلاف نمود (تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، ۱/ ۲۹۳).

اریاب طلب بیاید در ولایت روسیه گذاشته است یا نه برای تحقیق این مطلب مساعی جمیله خود را مضایقه نخواهد کرد. این قراردادها که در این فصل معین گشته همچنین در باره اهالی ایران که در ممالک روس و موافق قوانین ملکیه تجارت می کنند مرعی خواهد شد.

**فصل سیم:** برای اینکه به تجارت تبعه جانبین منافعی را که علت غائی شروط سابقه الذکر گشته اند محقق و مستحکم نمایند قرارداد شد که از هر گونه متاعی که به توسط تبعه روس به ایران آورده یا از این مملکت بیرون برده شود و کذلک از تبعه محصوله ایران که به توسط تبعه آن دولت از دریای خزر یا از راه خشکی سرحد دولتین روس و ایران به ولایات روس برده می شود و همچنین از امتعه روس که رعایای ایران با همان راهها بیرون می برند کمافی السابق در وقت داخل شدن و بیرون رفتن هر دو یک دفعه پنج از صد گمرک گرفته می شود و بعد از آن این گونه گمرک دیگر از ایشان گرفته نخواهد شد و اگر دولت روس لازم داند که قانون تازه در گمرک و تعریفهای = تعرفه های] مجدد قرارداد کند متعهد می شود که در این حالت نیز گمرک مزبور را که پنج از صد است اضافه نمایند.

**فصل چهارم:** اگر دولت روس یا ایران با دولت دیگر در جنگ باشد تبعه جانبین ممنوع نخواهند شد از اینکه با امنعه خود از خاک دولتین علیتین معاهدتین عبور کرده به ممالک دولت مزبوره بروند.

**فصل پنجم:** چون موافق عاداتی که در ایران موجود است برای اهالی بیگانه مشکل است که خانه و انبار و مکان مخصوص برای وضع امتعه خود به اجاره پیدا کنند لهذا به تبعه روس اذن داده می شود که خانه برای سکنا و انبار و مکان برای وضع امتعه تجارت هم اجاره نمایند، و هم به ملکیت تحصیل کنند. و متعلقان دولت ایران به آن خانه ها و انبارها و مکانها عتفاً داخل نمی توانند شد، [۲۸۷] ولیکن در وقت ضرورت از وکیل یا از کارگزار یا کونسول روسیه استرخاص می توانند نمود که ایشان صاحب منصب یا ترجمانی

تعیین کنند که در وقت ملاحظه خانه یا امتعه حضور داشته باشد.

**فصل ششم:** چون وکیل کارگزار دولت امپراطوری و صاحبمنصبان مأموره ایشان و کونسل‌ها و ترجمانها در ایران امتعه [ای] که به کار ملبوس ایشان بیاید و اکثر اشیاء ضروریه معیشت برای ابتیاع پیدا نمی‌کنند لهذا می‌توانند بدون باج و خراج هرگونه امتعه و اشیاء خاصه که به مصاف ایشان تعیین شده باشد بیاورد و کذلک این امتیازات به تمامه در باره وکیل و کارگزار و کونسل دولت ایران که مقیم دربار دولت روس باشند مرعی و ملحوظ خواهد شد؛ و کسانی که از اهل ایران برای خدمت ایلچی یا وکیل و کونسلها و حامیان تجارت روس لازم است مادامی که نزد ایشان باشند مانند تبعه روس از جانب ایشان بهره‌مند خواهند بود ولیکن اگر شخصی از آنها مرتکب به جرمی شود که موافق به قوانین ملکه مستحق تنبیه باشد در آن صورت وزیر دولت ایران یا حاکم و در جائی که آنها نباشند بزرگ ولایت مجرم را بی‌واسطه از ایلچی یا وکیل یا کونسل در نزد هر کدام که باشد مطالبه می‌کند تا اجرای عدالت شود و اگر این مطالبه مبنی نباشد بر دلایلی که جرم و تقصیر متهم را ثابت کند ایلچی یا کونسل یا وکیل در دادن او مضایقه نخواهد کرد.

**فصل هفتم:** همه ادعاها و امور متنازع فیها که مابین تبعه روسیه باشد بالانحصار به ملاحظه و قطع و فصل و کیل یا کونسلهای اعلیحضرت امپراطوری بر طبق قوانین و عادت دولت روسیه مرجوع می‌شود<sup>۱</sup>. و همچنین است منازعات و ادعاهائی که مابین تبعه روس و تبعه دولت دیگر اتفاق بیفتند در حالتی که طرفین به آن راضی شوند و منازعات و ادعاهائی که مابین تبعه روس و ایران واقع شود به دیوان حاکم شرع یا حاکم عرف ولایت معروض و محول می‌گردد و ملحوظ و طی نمی‌شود، مگر در حضور ترجمان وکیل یا کونسلها چون این

۱. مقصود این است که: مراعات مابین تبعه روسیه باید رجوع به سفارت یا کنسول شود و مشارالیهم موافق قوانین روسیه رسیدگی کرده و حکم دهند.

گونه ادعاها که یک دفعه موافق قانون طی شده باشد دوباره استعمال نمی‌شود، هرگاه اوضاع نوعی باشد که اقتضای تحقیق و ملاحظه ثانی کند بدون اینکه وکیل یا کونسل یا کارگزار روسیه را سابقاً از آن اخبار شود ملاحظه نمی‌تواند شد و در این حالت آن امر استعمال و محکوم علیه نمی‌تواند گردید، مگر در دفترخانه اعظم پادشاهی که در تبریز یا طهران باشد و کذلک در حضور یک نفر ترجمان وکیل یا کونسل روسیه.

فصل هشتم: کار قتل و امثال آن گناههای بزرگ که در میان خود رعایای روسیه واقع شود تحقیق و قطع و فصل آن مطلق در اختیار ایلچی یا کونسل یا وکیل روسیه خواهد بود، بر وفق قوانین شرعیه که به ایشان در باب اهل ملت خود داده شده است اگر یکی از تبعه روسیه به دعوی جرمی مستلزم سیاست با دیگران متهم باشد به هیچ وجه او را تعاقب و اذیت نباید کرد مگر در صورتی که شراکت او به جرم ثابت و مدلل شود. در این حالت نیز مانند حالتی که یکی از تبعه روسیه به نفسه به جرمی متهم می‌شد، حکام ولایت نمی‌توانند که به تشخیص حکم جرم پردازند، مگر در حضور گماشته از طرف وکیل یا کونسلهای روسیه، اگر در اماکن صدور جرم از وکیل و کونسلها کسی نباشد حکام ولایت مجرم را به جانی که کونسل یا صاحب منصبی از دایرة وکالت روسیه در آنجا باشد روانه می‌کنند و استشهادنامه که در باب برائت و شغل ذمه متهم به واسطه حاکم و مفتی آن مکان از روی صداقت مرتب و به مهر ایشان رسیده باشد و به این کیفیت عملی که حکم جرم خواهد شد فرستاده شود، این گونه استشهادنامه‌ها سند معتبر و مقبول او خواهد بود، مگر آنکه متهم عدم صحت آن را علانیه ثابت نماید و در صورتی که متهم چنانکه باید ملتزم گشته فتوای صریح حاصل شود؛ مجرم را به وکیل یا کونسل روسیه تسلیم می‌سازند که برای اجرای سیاستی که در قوانین



مقرر است به مملکت روسیه بفرستند!

فصل نهم: دولتین علیتین معاهدتین اهتمام تمام در باب رعایت و اجرای شروط این معاهده خواهند داشت، حکام ولایات و دیوان‌بیگیان و سایر رؤسای طرفین بیم از مؤاخذه شدیدتر داشته در هیچ حالت تخلف و تجاوز نخواهند کرد، بل در حالتی که تکرار تخلف چنانکه باید محقق شود موجب معزولی ایشان خواهد بود.

خلاصه با وکلای مختار اعلی حضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران که در ذیل دستخط نوشته‌ایم شروطی را که در این معاهده مندرج است و از نتایج فصل دهم عهدنامه عمده است که همان روز در ترکمان چای اختتام یافته است و چندان اعتبار و قوه خواهد داشت که گویا لفظ به لفظ خود عهدنامه مرقوم و مصدق گشته است منتظم و مقرر داشتیم، لهذا این معاهده جداگانه که مشتمل بر دو نسخه است به توسط ما دستخط گذاشته به مهر ما رسید و مبادله شد.

تحریراً در قریه ترکمان چای به تاریخ دهم شهر فیورال سنه یکهزار و هشتصد و بیست و هشت (۱۸۲۸) مسیحیه که عبارت است از پنجم شعبان المعظم سنه یکهزار و دویست و چهل و سه (۱۲۴۳ هـ).

۱. عبارت آخری، درک و معنایش قدری مشکل است، محمود محمود به نقل از کتاب «مجموعه معاهدات» چنین می‌نویسد: اگر در محل وقوع جنحه سفارت یا قونسلگری وجود ندارد، کارگزاران آنجا مجرم را به محلی اعزام خواهند داد که در آنجا قونسول یا مأموری از طرف روسیه برقرار شده باشد. حاکم و قاضی محل استشاداتی که بر علیه و له شخص مظنون است تحصیل کرده و امضاء می‌نماید و این دو قسم استشهاد که بدین ترتیب نوشته شده و به محل محاکمه فرستاده می‌شود سند و نوشته معتبر دعوی محسوب خواهد شد مگر اینکه شخص مقصر خلاف و عدم صحت آن را به طور واضح ثابت نماید. پس از آن کماهو حقه تقصیر شخص مجرم به ثبوت رسیده و حکم صادر شد، مومی الیه به وزیر مختار یا شارژدافر یا قونسول روس تسلیم خواهد شد که به روسیه فرستاده شده در آنجا موافق قوانین سیاست شود. (تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، ۱/۲۹۶).

## در بیان بعضی واقعات ولایت کرمان و حوادث یزد که در این سال روی داد و اصلاح آن فساد

چون ظهیرالدوله ابراهیم خان بن نواب مهدی قلی خان که عمزاده و داماد حضرت خاقان سلیمان شان فتحعلی شاه صاحبقران بود در سال یکهزار و دوست و چهل هجری (۱۲۴۰ هـ / ۱۸۲۴-۱۸۲۵ م) وفات یافت نواب عباسقلی خان ولد اکبر آن مغفور که همشیرهزاده نواب فرمانفرمای فارس بود به حکومت کرمان رسید و محمد قاسم خان دامغانی در خدمتش پیشکاری و سرداری یافت و رستم خان قاجار ولد دیگر خان مغفور نیز در قلعه بم که حصنی است معروف و محکم حکومت داشت، و ابوالقاسم خان گروس در نزد [۲۸۸] وی معتبر و معظم همی زیست و باطناً فی مابین دو برادر و دو سردار نفاقی شدید وقوع داشت و محمد قاسم خان نواب عباسقلی خان را بفریفته به اضمحلال ابوالقاسم خان و استیصال رستم خان راضی ساخت، بی خبر ایلغار کرده به قلعه بم وارد و ابوالقاسم خان را که از معارف گروس بود بگرفته بکشت، و دیگر برادرش را که در کرمان بود به برادر ملحق نمودند.

و محمد قاسم خان استقلالی تمام در سرداری و پیشکاری کرمان یافت و باطناً سودای سروری در دماغش طغیان نمود، لهذا خاقان صاحبقران، خانلر خان ولد علی مراد خان زند را که بطناً نبیره خاقان شهید محمد حسن خان قاجار و سمی او بود به انتظام کرمان فرستاد و مراقب و مواظب اصلاح کارکرد و نواب عباسقلی خان بدو تمکین نفرموده وی رنجیده قصد رجعت کرد.

اریاب حسین نام از جسوران کرمان به اشاره حکمران آن سامان در منزل رباط قلعه باغین شب هنگام با جماعتی اشرار بر سر او ریخته خانلر خان مذکور را مقتول کردند و طغیان پوشیده برملا شد، همچنین احمد بیک برادر محمد مهدی خان متخلص به شحنة که یک همشیره اش از خدام حرم سرای شاهنشاهی و دیگری از ازواج ظهیرالدوله مرحوم و مردی دلیر بود به بهانه ای بکشتند و محصلین دیوانی را